

تحلیل جغرافیایی کیفیت زندگی روستاهای شهرستان نوشهر

مریم قاسمی^۱، محمد باسط قریشی میناآباد^{۲*}، آتوسا بیگدلی^۲

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

۲. استادیار گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

* نویسنده مسئول، Email: ghoreshi@iaurasht.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲۱ خرداد ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۱۰ بهمن ۱۴۰۱

چکیده

مقدمه: کیفیت زندگی مفهومی چند جانبه و چند بعدی است و تنها جنبه‌های مادی زندگی را در بر نمی‌گیرد؛ اندازه‌گیری و پی بردن به آن خود در گرو عوامل مختلف محیطی - اکولوژیک، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی می‌باشد و خصوصیات فردی افراد جامعه نیز در آن دخالت دارند.

هدف: مقاله با هدف بررسی عوامل موثر بر تحولات کیفیت زندگی، بین روستاییان در دو دهه اخیر تدوین شده است.

روش شناسی: روش تحقیق، روش توصیفی - تحلیلی است. در این روش، ابتدا شاخص‌های کیفیت زندگی به تفکیک نقاط روستایی مورد مطالعه و سنجش قرار گرفت. جامعه آماری روستاییان ۲۱ روستا و حجم نمونه ۳۸۰ خانوار از روستاییان است که با استفاده از فرمول کوکران تعیین گردیده‌اند. سپس در مرحله تحلیل، فاصله از شهر و فاصله تا جاده اصلی بر تفاوت‌های فضایی کیفیت زندگی مورد ارزیابی قرار گرفت.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: قلمرو جغرافیایی شامل بخش مرکزی شهرستان نوشهر می‌باشد.

یافته‌ها و بحث: نتایج نشان داد که وضعیت روستاهای مورد مطالعه از نظر کیفیت شاخص‌های کالبدی کیفیت زندگی مطلوب و شاخص‌های اقتصادی در سطح نامطلوبی قرار دارند. که می‌توان ناشی از عوامل مختلف مانند عدم برخورداری از سطوح خدماتی مطلوب، عدم وجود منابع درآمدی و... در سطح منطقه باشد. همچنین از میان روستاهای مورد بررسی روستاهای خیرودکنار، توسکاتک، تازه‌آباد و شریعت‌آباد در بالاترین سطح کیفیت زندگی و رضایتمندی جای روستاهای سنگتو، حمزده دارند؛ و علیا و چلک علیا در پایین‌ترین سطح کیفیت زندگی و رضایتمندی قرار می‌گیرند.

نتیجه‌گیری: بین تمام سطوح کیفیت زندگی در سطح روستاهای نمونه بر اساس عوامل فاصله تا جاده اصلی و فاصله تا شهرستان تفاوت معناداری وجود دارد. و هر چه فاصله کمتر باشد شاخص‌های کیفیت زندگی در وضعیت مناسب‌تری قرار می‌گیرند و سطح کیفیت زندگی بالاتر می‌رود.

کلیدواژه‌ها: کیفیت زندگی، تحلیل جغرافیایی، عوامل کالبدی - اجتماعی، شهرستان نوشهر.

مقدمه

قرن هاست که انسان به طور ذاتی به دنبال یک زندگی خوب بوده و در این راستا برای بهبود شرایط زیست خود سعی کرده که از استعدادها، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های خود و محیط اطرافش، حداکثر بهره‌برداری را بنماید. از این رو همواره مساله اصلی این بود که زندگی مطلوب و با کیفیت چگونه زندگی است؟ (اونق، ۱۳۸۴، ۱) به طور طبیعی انسان‌ها از آغاز حیات خود در جستجوی بهبود شرایط زندگی‌شان بوده‌اند. اما عمدتاً در دوران معاصر است که کیفیت زندگی به موضوع مطالعه دانشمندان تبدیل شده است. زیرا آن‌ها به این واقعیت پی برده‌اند که آینده جامعه در گرو شناسایی عواملی است که بر شرایط زندگی انسان‌ها تاثیر می‌گذارد (زاهدی، ۱۳۸۵، ۲۹). در دهه‌های اخیر شناسایی، ارزیابی و بهبود کیفیت زندگی جزء اهداف اصلی محققان جامعه، برنامه‌ریزان و کارگزاران دولتی بوده است. بسیاری از دانشمندان در رشته‌های علمی همچون روانشناسی، پزشکی و علوم اقتصادی، علوم طبیعی، علوم اجتماعی و جغرافیا مفهوم یکسانی از کیفیت زندگی را در مطالعات خود به کار نمی‌برند و تعریف کامل و جامعی از کیفیت زندگی وجود ندارد. شاید این امر نتیجه این واقعیت باشد که کیفیت زندگی متاثر از عناصر مهمی همچون زمان، مکان و همچنین ارزش‌های اجتماعی و فردی است. تحقیق در زمینه کیفیت زندگی یک جامعه می‌تواند به عنوان ارزیابی و توصیفی از ماهیت یا شرایط زندگی یک منطقه یا کشوری خاص در نظر گرفته شود. کیفیت زندگی گروه‌های اجتماعی یا افراد به وسیله فاکتورهای بیرونی همچون تکنولوژی تولید، زیرساخت‌ها، ارتباطات با گروه‌های دیگر یا کشورها، موسسات مختلف در جامعه، محیط طبیعی. همچنین فاکتورهای درونی که انعکاس‌دهنده کنش متقابل میان ارزش‌های فردی و ارزش‌های فرهنگی است تعیین می‌شود (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۱، ۸). هر چند ارتقاء کیفیت زندگی در مقیاس‌های فردی و اجتماعی از دیر باز مورد توجه برنامه‌ریزان قرار داشته است، اما در دهه‌های اخیر و با اولویت یافتن اهداف اجتماعی از دیر باز مورد توجه برنامه‌ریزان قرار داشته است، اما در دهه‌های اخیر و با اولویت یافتن اهداف اجتماعی در پارادایم‌های توسعه و تدوین این اهداف در قالب برنامه‌های توسعه، به تدریج نگرش انسانی و جامعه‌شناختی پیرامون کیفیت زندگی به ادبیات توسعه، و همچنین برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان کشورهای پیشرفته راه یافته است. با گسترش رویکردی انسان و ورود مفهوم کیفیت زندگی در ادبیات توسعه پایدار، و برنامه توسعه اجتماعی و اقتصادی نوین، مراکز و موسسات بسیاری به مطالعه پیرامون کیفیت زندگی، شاخص‌های سنجش و چگونگی ارتقاء آن می‌پردازند (امیدی، ۱۳۷۸، ۴). حیطه مربوط به کیفیت زندگی و سنجش آن شاید در هیچ زمانی به اندازه امروز وسیع نبوده است. این امر از آنجا ناشی می‌شود که شاخص‌های مربوط به کیفیت زندگی طیف وسیعی را در بر می‌گیرند که از تغذیه و پوشاک گرفته تا مراقبت‌های بهداشتی، محیط اجتماعی و محیط مادی پیرامون را (جاجرمی و کلت، ۱۳۸۵، ۵۹). در واقع مفهوم کیفیت زندگی یک متغیر مرکب است که از چندین متغیر متاثر می‌گردد. تغییر در سطح درآمد مردم، شرایط زندگی، وضع سلامت، محیط، فشار روحی و روانی، فراغت، شادمانی خانوادگی، روابط اجتماعی و چندین متغیر دیگر نظیر آن به شکل مرکب کیفیت زندگی و تغییرات آن را تعیین می‌کند (Rahman and et al, 2003, 30).

همچنین کیفیت زندگی، مشکلات زندگی، مشکلات دیگری مانند ضعف منابع درآمدی، فقدان وسایل نقلیه خصوصی، فقدان وسایل حمل و نقل عمومی، نبود فرصت‌ها و موقعیت‌های شغلی مناسب، مراکز مراقبتی، مشکلات و آسیب‌های ناشی از نابرابری‌های اجتماعی، تغذیه نامناسب و مسکن ناپایدار را در بر می‌گیرد (William, 1998, 917). کشورهای جهان بر حسب اختلاف در ابعاد اساسی همچون میزان جمعیت، ویژگی‌های جغرافیایی و قدرت نظامی و اقتصادی با هم تفاوت دارند. این اختلافات و تفاوت‌ها در طول قرن‌ها یا دهه‌ها شکل گرفته‌اند. تفاوت‌ها علاوه بر اینکه بین کشورها وجود دارند، در هر کشوری بین مکان‌ها و زمینه‌های متفاوت نیز به چشم می‌خورند. مثلاً در میان کشورهای جهان، کیفیت زندگی در شهرهای کشورهای پیشرفته بر حسب دسترسی به خدمات و تسهیلات مناسب‌تر است، اما در مراقبت از کهنسالان، افراد بی سرپرست و دیگر ابعاد اجتماعی - فرهنگی عینی، عملکرد ضعیفی داشته‌اند. کیفیت زندگی در هر کشور با کشورهای دیگر تفاوت دارد. کشورهای در حال توسعه، محیط اجتماعی و محیط فیزیکی (طبیعی) را در برنامه‌های خود را در حاشیه قرار دادند، در صورتیکه در کشورهای توسعه‌یافته در برنامه‌های خود تاکید

زیادی بر محیط اجتماعی و فیزیکی می‌کنند (Ibid,39). تحلیل ماهیت، توزیع و تراکم عوامل فضایی موثر بر محرومیت اجتماعی در درون کشورها، مناطق و نواحی روستایی از بنیان‌های اصلی تحقیقات جغرافیای کاربردی می‌باشد. بررسی عوامل موثر بر الگوهای پراکنش، توزیع متغیرهای فضایی، شناسایی الگوهای شکل گرفته و تطبیق آن‌ها با سیاست‌های اتخاذ شده توسط دولت و سازمان‌های موثر بر کاهش محرومیت از اولویت‌های تحقیق در جغرافیای کاربردی است. بررسی شاخص‌های فضایی و شناسایی ارتباطات علی - معلولی بین عوامل جغرافیایی و کیفیت و سطح زندگی در قالب نقشه‌های فقر و تبلور گرایش‌ها و الگوهای فضایی در سطح علوم ناحیه‌ای قابل مطالعه است (افتخاری و توکلی، ۱۳۸۲، ۷۵). با این وجود باید اذعان کرد که کیفیت زندگی به شدت متأثر از زمان و مکان است و مولفه‌ها و عوامل تشکیل دهنده‌اش با توجه به دوره زمانی و مکان جغرافیایی فرق می‌کنند. یکی از فضاهای نیازمند مطالعات مرتبط با کیفیت زندگی، مناطق روستایی می‌باشد. این مطالعات باید زمینه‌های مرتبط با کیفیت زندگی روستایی، کاهش محرومیت جغرافیایی و دسترسی بیشتری به کیفیت مکان داشته و با عوامل اقلیمی، جنگل‌ها و مراتع و مزارع یا به عبارتی دیگر به منابع طبیعی بستگی دارد (Shawoarker and Moor, 2005, 235-236). در این میان، کیفیت زندگی مردم و مکان‌های روستایی به عوامل زیادی وابسته است. میزان در دسترس بودن مشاغل با دستمزد مناسب، دسترسی به خدمات مهمی همچون آموزش، بهداشت، انجمن‌های قوی، سلامت، محیط طبیعی، امنیت و... این در حالی است که مردم شهر نیز به یک درجه به این نیازها وابسته هستند اما چالش‌های آن‌ها برای زندگی بهتر، علی‌رغم وجود تشابهات، متفاوت از نواحی روستایی است. برخی از این چالش‌ها به جریان و مسیر اصلی اقتصاد وابسته هستند، در حالیکه، بقیه منحصر به چارچوب سازمانی و نهادی مناطق روستایی هستند. به سخن دیگر مقیاس کوچک و تراکم اندک سکونتگاه‌های روستایی، نبود تنوع شغل و درآمد کافی در بخش کشاورزی از سایر مراکز سکونتگاهی، فاصله و دوری، عدم وجود راه‌های مناسب و سیستم حمل و نقل کارآمد اجرای سیاست‌های ضروری برای احیای کیفیت زندگی روستایی را پیچیده‌تر می‌کند (Bullock, 2004).

جامعه روستایی بخش عمده‌ای از جمعیت کشورمان را تشکیل می‌دهد. بهبود شرایط زندگی و سلامت آن‌ها یکی از اهداف برنامه‌های توسعه در سطح ملی و محلی است. در کشور ما با توجه به خصوصیات و بافت جوامع روستایی و عشایری، بخش وسیعی از تولیدات کشاورزی و فراورده‌های دامی بر عهده ی روستاییان بوده است. برای کشوری مانند ایران که در صدد بهبود اقتصاد روستایی و حمایت از تولید فراورده‌های غذایی آن است شناخت وضعیت زندگی این قشر از جامعه و توجه به بهبود وضع آن‌ها ضروری است.

معیارها و شاخص‌های کیفیت زندگی در شرایط مکانی - فضایی متفاوت از شرایط متفاوتی برخوردار هستند. این تفاوت‌ها، هم در میان سکونتگاه‌های شهری در مقایسه با سکونتگاه‌های روستایی و یا در بین سکونتگاه‌های شهری و روستایی در نواحی جغرافیایی مختلف مشاهده می‌گردد. تحلیل فضایی کیفیت زندگی نشان می‌دهد؛ بسترهای محیطی - اکولوژیکی، شرایط اجتماعی - اقتصادی، ویژگی‌های محیط مصنوع و سیاستگذاری‌های دولتی عواملی هستند که در بروز تفاوت‌ها در سطح برخورداری از کیفیت زندگی اثر گذار هستند، البته، در این میان باورهای فرهنگی مردم از اهمیت بیشتری برخوردار است.

شهرستان نوشهر در استان مازندران به دلیل موقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی، وجود امکانات و جاذبه‌های گردشگری، به عنوان منطقه‌ای که دارای حیات روستایی گسترده و پویا می‌باشد، با چالش‌های مهمی در زمینه تخریب فیزیکی و محیطی، محرومیت‌های اجتماعی، ناامنی، بیکاری و... روبرو است که تمامی این عوامل موجب تأثیرات مثبت و منفی کیفیت زندگی در روستاهای این شهرستان شده است؛ از اینرو در زمره مناطقی قرار دارد که بررسی کیفیت زندگی نواحی روستایی آن از اهمیت و جایگاه مهمی برخوردار است. هدف اصلی این تحقیق ارزیابی و تحلیل تحولات کیفیت زندگی در روستاهای شهرستان نوشهر در دو دهه اخیر می‌باشد. بنابراین مساله اصلی که در این پژوهش به بررسی آن پرداخته خواهد شد این است که، در کیفیت زندگی و تحولات آن در روستاهای شهرستان نوشهر، کدام عوامل جغرافیایی تأثیر گذار هستند؟

قرن‌ها انسان به طور ذاتی به دنبال یک زندگی خوب بوده و در این راستا برای بهبود شرایط زیست خود سعی کرده که از استعدادها، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های خود و محیط اطرافش، حداکثر بهره‌برداری را بنماید (رضوانی، ۱۳۸۶: ۱). به طور طبیعی انسان‌ها از آغاز حیات خود در جستجوی بهبود شرایط زندگی شان بوده‌اند. اما عمدتاً در دوران معاصر است که کیفیت زندگی به موضوع مطالعه دانشمندان تبدیل شده است. زیرا آن‌ها به این واقعیت پی برده‌اند که آینده جامعه در گرو شناسایی عواملی است که بر شرایط زندگی انسان‌ها تاثیر می‌گذارد (زاهدی، ۱۳۸۵: ۲۹). در دهه‌های اخیر شناسایی، ارزیابی و بهبود کیفیت زندگی جزء اهداف اصلی محققان جامعه، برنامه‌ریزان و کارگزاران دولتی بوده است. بسیاری از دانشمندان در رشته‌های علمی همچون روانشناسی، پزشکی و علوم اقتصادی، علوم طبیعی، علوم اجتماعی و جغرافیا مفهوم یکسانی از کیفیت زندگی را در مطالعات خود به کار نمی‌برند و تعریف کامل و جامعی از کیفیت زندگی وجود ندارد. شاید این امر نتیجه این واقعیت باشد که کیفیت زندگی متاثر از عناصر مهمی همچون زمان، مکان و همچنین ارزش‌های اجتماعی و فردی است. تحقیق در زمینه کیفیت زندگی یک جامعه می‌تواند به عنوان ارزیابی و توصیفی از ماهیت یا شرایط زندگی یک منطقه یا کشوری خاص در نظر گرفته شود. کیفیت زندگی گروه‌های اجتماعی یا افراد به وسیله فاکتورهای بیرونی همچون تکنولوژی تولید، زیر ساخت‌ها، ارتباطات با گروه‌های دیگر یا کشورها، موسسات مختلف در جامعه، محیط طبیعی و همچنین فاکتورهای درونی که انعکاس‌دهنده کنش متقابل میان ارزش‌های فردی و ارزش‌های فرهنگی است تعیین می‌شود (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸). هر چند ارتقاء کیفیت زندگی در مقیاس‌های فردی و اجتماعی از دیر باز مورد توجه برنامه‌ریزان قرار داشته است، اما در دهه‌های اخیر و با اولویت یافتن اهداف اجتماعی در پارادایم‌های توسعه و تدوین این اهداف در قالب برنامه‌های توسعه، به تدریج نگرش انسانی و جامعه شناختی پیرامون کیفیت زندگی به ادبیات توسعه و همچنین برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های کلان کشورهای پیشرفته راه یافته است. شاخص تعیین‌کننده پیشرفت یک اجتماع، کیفیت زندگی است که در بر گیرنده مهم‌ترین عواملی است که بیانگر چگونگی زیستن افراد در یک جامعه و رفاه شخصی افراد است (Bień & Barkowska, 2016: 76). کیفیت زندگی یکی از اساسی‌ترین موضوعات علوم اقتصادی و سیاسی است که در آن پارامترهای مادی توسعه اقتصادی و تولیدات داخلی در کنار پارامترهای غیر مادی مانند سطح با سواد و فرهنگ، کیفیت گذران فراغت و تفریح، شرایط محیط زیست، احساس خوشبختی انفرادی، آزادی و اتحاد ملی مورد بررسی قرار گیرد (Helliwell & Layard, 2016: 136). کیفیت زندگی همچنین به عوامل دیگری چون پخش درآمدها روی عوامل تولید آن، میزان فقر، درآمد حقیقی (پس از در نظر گرفتن تورم) و سطح حقوق اجتماعی، میزان امنیت، کیفیت فراغت، امکانات فرهنگی، سلامت روحی مردم، تراکم جمعیت، شبکه اجتماعی، ثبات سیاسی و استحکام اقتصادی، تراکم جمعیت، شبکه اجتماعی، ثبات سیاسی و استحکام اقتصادی بستگی دارد؛ لذا دو جامعه که از لحاظ مادی با یکدیگر برابرند، ممکن است از دو کیفیت زندگی متفاوت برخوردار باشند (Ferri, 2017: 76).

کیفیت زندگی جوامع شهری و روستایی کاملاً متفاوت بوده و کیفیت زندگی در روستا اغلب پایین‌تر است که از جمله دلایل آن فقر گسترده، نابرابری در توزیع امکانات، برخوردار نبودن از حداقل شرایط زندگی مانند دسترسی نداشتن به آب بهداشتی سالم و فاضلاب مناسب در روستاها می‌باشد (Hammer & Spears, 2016: 140). بنابراین به دلیل شرایط خاص زندگی در محیط‌های روستایی، وابستگی غذایی مردم کشور به روستا و محل تولید محصولات استراتژیک از مهم‌ترین توجهات برنامه‌ریزان توسعه، بهبود کیفیت زندگی افراد ساکن روستا بوده، به طوری که هدف تمامی برنامه‌های ملی و بین‌المللی توسعه در قالب توسعه کشاورزی-روستایی و بهبود معیشت خانوار، افزایش کیفیت زندگی روستاییان است (Hogan, 2010: 1612) با این حال ۵۶ درصد افراد ساکن در مناطق روستایی دنیا از دسترسی به خدمات بهداشتی و پزشکی محروم‌اند، به طوری که میانگین جهانی این رقم در مناطق شهری ۲۲ درصد است. این مقدار در کشورهای آفریقایی به ۸۳ درصد می‌رسد (Kashwan, 2017: 150). این در حالی است که نزدیک به ۴/۰۶ میلیارد نفر (۵۸ درصد کل جمعیت) در سراسر جهان در روستاها زندگی می‌نمایند که از این تعداد ۷۶ درصد متعلق به فقرای روستایی کشورهای در حال توسعه می‌باشند. در ایران نیز در مقایسه با شهرها به

دلیل کمبود امکانات فیزیکی، شرایط زندگی بهداشتی و سالم، کیفیت زندگی روستایی از رتبه پایین‌تری برخوردار است (بوستانی، ابتکاری و محمدپور، ۱۳۹۱)؛ و بالاترین کیفیت زندگی شهری ایران مربوط به استان تهران است (پورمحمدی و ولی بیگی، ۱۳۹۴) که در جدیدترین رتبه‌بندی، جایگاه ۲۷ آسیا و ۵۸ جهان در بین ۸۰ کشور مورد بررسی، قرار دارد (Feneri, 2013: 294).

حجم مقالات و پژوهش‌های مباحث توسعه روستایی در ایران به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی بسیار قابل ملاحظه بوده و بر روی مشکلات فزاینده روستاها مانند فقر، کمبود امکانات ابتدایی زندگی (قرنی‌آرانی، ۱۳۹۴) و در چند سال اخیر خشکسالی، آلودگی‌های آب، هوا و خاک تمرکز یافته است (فاضل‌نیا و حکیم‌دوست، ۱۳۹۴). نتایج تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد علاوه بر مناسب نبودن کیفیت زندگی در روستاها، فاصله زیادی با شهرها نیز دارد (دریان‌آستانه و محمودی، ۱۳۹۵). این در حالی است که براساس داده‌های سازمان آمار حدود ۲۰ میلیون نفر در روستاها ساکن هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). بنابراین توجه به این گونه مناطق، تحقیقات بیشتر و سیاستگذاری‌های مناسب‌تری را می‌طلبد.

امید است که با بهره‌گیری از اصول و مبانی نظری کیفیت زندگی به منظور اعتلای کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی، یافته‌های این پژوهش بتواند جهت اتخاذ الگوی مداخله مناسب و هدفمند در سکونتگاه‌های روستایی، راهکارهای مناسبی در اختیار مدیران و تصمیم‌گیرندگان روستایی قرار دهد.

متون مربوط به سنجش کیفیت زندگی نشان می‌دهد که بطور سنتی همواره از سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP) به عنوان یگانه سنجش قابل اعتماد به‌زیستی و توسعه اقتصادی استفاده می‌شود به هر حال وفاق چشمگیری در این زمینه وجود داشت که با افزایش تولید ناخالص داخلی (GDP) الزاما کیفیت زندگی مردم ارتقا پیدا نمی‌کند. حتی واکنش‌هایی نیز در دهه ۱۹۷۰ در مقابل پیامدهای رشد اقتصادی صورت گرفت. بنابراین به خاطر واکنش‌های صورت گرفته و ضعف سنجش‌های مرتبط با درآمد تلاش‌ها برای مفهوم‌سازی جدید و شناسایی سنجش‌های جایگزین صورت گرفت. در دهه ۱۹۶۰ آدلمن و در دهه ۱۹۷۰ موریس به بررسی معرف‌های اقتصادی - اجتماعی متعددی پرداختند. موریس در سال ۱۹۷۹ شاخص فیزیکی زندگی را به عنوان جایگزین برای تولید ناخالص داخلی سرانه، برای سنجش کیفیت زندگی افراد مطرح کرد. شاخص فیزیکی زندگی شامل معرف‌های امید به زندگی در یک سالگی، نرخ مرگ و میر نوزادان باسوادان می‌شود (خوارزمی، ۱۳۸۳: ۲۴). به دنبال این تاکیدات، داسکوپتا و ویل در سال ۱۹۹۲ سنجش‌های از کیفیت زندگی را ارائه دادند که به وسیله معرف‌های درآمد سرانه، امید به زندگی در زمان تولد، نرخ باسوادان افراد بالغ و معرف‌های حقوقی - سیاسی مثل آزادی‌های مدنی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (اونق، ۱۳۸۴: ۳۰). به هر حال در حال حاضر یکی از معروفترین سنجش‌های کیفیت زندگی، شاخص توسعه انسانی (HDI) است که توسط مرکز طرح و برنامه توسعه سازمان ملل در گزارش‌های توسعه انسانی از سال ۱۹۹۰ به بعد مورد استفاده قرار گرفته است. شاخص توسعه انسانی به کمک سه معرف: امید به زندگی در زمان تولد، موفقیت تحصیلی و سرانه واقعی تولید ناخالص داخلی، کیفیت زندگی کشورهای مختلف را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. سنجش دیگری نیز در سال ۱۹۹۸ توسط لارس ایسبرگ و اندریوشارپ تحت عنوان اقتصادی به‌زیستی ارائه شده، این شاخص به کمک معرف‌های سطح جریان‌های مصرف، نابرابری در توزیع درآمد و ناامنی و بی‌اعتمادی در تامین درآمدهای آینده، کیفیت زندگی مردم را مورد ارزیابی قرار می‌دهد (اونق، ۱۳۸۴: ۳۳).

درخصوص ارزیابی کیفیت زندگی روستاییان مطالعات بسیاری صورت گرفته است. در این راستا محققانی (مانند رضوانی و همکاران، ۱۳۸۷؛ رحیمی و همکاران، ۱۳۹۲؛ خراسانی و حاجیلو، ۱۳۹۴؛ عنابستانی و محمدی، ۱۳۹۴) به سنجش میزان رضایت از زندگی ساکنان روستا پرداخته‌اند. این مطالعات به دو دسته پژوهش‌هایی که: (۱) به بررسی شاخص‌های عینی و (۲) شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی پرداخته‌اند، تقسیم‌بندی می‌شود. بعد ذهنی کیفیت زندگی به دلیل گردآوری پرسشنامه‌ها از ساکنین و امکان سنجش بیشتر شاخص‌ها، بیشتر مورد تحقیق بوده است مانند مطالعه بدری و قرنجیک (۱۳۹۳) که شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی در دهستان جعفرابای جنوبی شهرستان ترکمن

را در ۸ بعد کیفیت آموزش، سلامت و بهداشت، امنیت، محیط سکونتی، زیرساخت‌ها، اشتغال و درآمد، اوقات فراغت و تعامل و همبستگی اجتماعی مورد ارزیابی قرار دادند. نتایج نشان داد به رغم پایین بودن نسبی وضعیت معیشت و برخورداری از امکانات، وجود فرهنگ سنتی قوم ترکمن با ویژگی‌های خاص، این کمبودها را کمرنگ‌تر می‌کند و این مردم در باور خود زندگی نسبتاً مطلوبی دارند. دربان‌آستانه و محمودی (۱۳۹۵) نیز به ارزیابی کیفیت زندگی در روستا-شهر جدید بانوره پرداختند. نتایج نشان داد تبدیل روستا به شهر مزایایی در ابعاد اقتصادی، ارائه برخی خدمات اجتماعی و کالبدی داشته اما پیامدهای منفی زیادی داشته که در مجموع باعث افزایش کیفیت زندگی ساکنان نشده است. از جمله پژوهش‌هایی که در سطح کل کشور به بررسی کیفیت زندگی در نواحی روستایی پرداخته است، تحقیق بوستانی و ابتکاری (۱۳۹۱) می‌باشد که با در نظر گرفتن ۱۷ شاخص عینی شامل شاخص‌های بهداشتی، اجتماعی و سکونتی به ارزیابی نواحی روستایی پرداخته است. روش پژوهش تحلیل محتوا با رویکرد توصیفی-تحلیلی است. در انتها نیز با استفاده میانگین مجموع شاخص‌های بهداشتی، اجتماعی و مسکونی هر استان محاسبه و نمره میانگین کلی هر استان بر اساس (۱۰۰-۰) نمره دهی شده و استانها به سه دسته برخوردار، نیمه برخوردار و محروم از امکانات تقسیم بندی شدند. علاوه بر سنجش میزان رضایت روستاییان از زندگی و امکانات آن، عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی روستاییان نیز مورد تحقیق بسیاری از محققان بوده که وابستگی زیادی به منطقه مورد مطالعه دارد؛ به عنوان نمونه، ریاحی (۱۳۹۳) به اولویت بندی شاخص‌های کیفیت زندگی روستایی در روستاهای استان کردستان پرداخته و برای تحلیل داده‌ها از مدل تحلیل سلسله مراتبی دلفی فازی استفاده شد. نتایج نشان داد که شاخص بهداشت و سلامت اجتماعی دارای بیشترین وزن فازی است. احمدی (۱۳۹۴) به بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی روستاهای پیرامون شهرستان روانسر پرداختند. نتایج نشان داد سن، بار تکفل، دارایی خانوار، رضایتمندی و جمعیت روستا به شکلی مستقیم بر کیفیت زندگی و فاصله روستا از شهر، درآمد ماهیانه، تعداد افراد شاغل و نوع شغل به طور غیرمستقیم بر کیفیت زندگی روستایی مؤثر هستند. عنابستانی و محمدی (۱۳۹۴) به بررسی رضایتمندی و عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی روستاهای چهارم پرداختند و دریافتند که به ترتیب متغیرهای کالبدی، زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی بیشترین تاثیر در کیفیت زندگی است.

خراسانی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه خود تحت عنوان تبیین زیست-پذیری روستاهای پیرامون شهری با رویکرد کیفیت زندگی (مطالعه موردی: شهرستان ورامین)، به این نتیجه رسیده است که زیست‌پذیری در مجموع روستاهای شهرستان ورامین در شرایط متوسط است. هم چنین ابعاد اقتصادی و اجتماعی زیست‌پذیری روستاها در سطح متوسط و بعد زیست محیطی در وضعیت نا مطلوب است. هم چنین محقق نتیجه گرفته که بین روستاهایی که مورد مطالعه قرار داده از نظر سطح زیست‌پذیری تفاوت معنی‌داری مشاهده می‌شود. یافته‌های تحقیق بیانگر این نکته است که زیست‌پذیری این روستاها تحت تاثیر عوامل مکانی فضایی قرار دارد.

فتاحی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه خود تحت عنوان سنجش کیفیت زندگی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی دلفان، برای بررسی توزیع فضایی کیفیت زندگی، تاثیر دو متغیر بعد فاصله و موقعیت روستاها را بر کیفیت زندگی روستاهای جامعه نمونه مورد نظر قرار داده است. و چنین نتیجه‌گیری نموده است که روستاهای بخش مرکزی شهرستان دلفان در تمام ابعاد کیفیت زندگی بر اساس فاصله تا مرکز شهرستان صرف نظر از بعد اقتصادی که شرایط مشابهی بین روستاهای نمونه حاکم است در سایر ابعاد کالبدی، محیطی، اجتماعی در کل تفاوت معناداری قابل مشاهده است. همچنین یافته‌های این پژوهش بیانگر این است که موقعیت مکان سکونتگاه‌ها در ارتقا کیفیت و رضایتمندی ساکنان مؤثر است به طوری که در همه مولفه‌های مؤثر بر کیفیت زندگی، روستاهای دشتی بالاترین میزان رضایتمندی را در میان ساکنین داشته‌اند. هم چنین روستاهای کوهپایه‌ای بعد از روستاهای دشتی به لحاظ رضایتمندی در طبقه ۲ و در طبقه ۳ نیز روستاهای کوهستانی با پایین‌ترین رضایتمندی قرار گرفته‌اند.

بنا بر تحقیقات بررسی شده، کیفیت زندگی روستایی وابستگی زیادی به چگونگی ارزیابی شاخص‌های عینی دارد که در ایران مورد پژوهش محققان مختلفی قرار گرفته، اما تأکید بیشتر بر شاخص‌های ذهنی و در نظر نگرفتن کل

روستاهای ایران به روش فازی در سیستم (اگر-آنگاه) جهت یافتن قواعدی که در کل مناطق روستایی صدق کند، از جمله کمبودهایی است که در پژوهش‌ها وجود دارد (سروش مهر، ۱۳۹۶: ۲۲)

روش شناسی

با توجه به ماهیت موضوع و مولفه‌های مورد بررسی، روش تحقیق، روش توصیفی - تحلیلی است. در این روش، ابتدا شاخص‌های کیفیت زندگی به تفکیک نقاط روستایی مورد مطالعه و سنجش قرار گرفت. سپس در مرحله تحلیل، فاصله از شهر و فاصله تا جاده اصلی بر تفاوت‌های فضایی کیفیت زندگی مورد ارزیابی قرار گرفت.

در این تحقیق از روش پیمایش (روش زمینه‌یابی با هدف‌های توصیفی و اکتشافی) استفاده شده است. معمولا پیمایش یا بررسی را مطالعه تغییرات متغیر یا دستیابی به دلایل حدوث یا تغییر پدیده اجتماعی می‌دانند به عبارت دیگر، تحقیق پیمایش در پی توصیف یک پدیده اجتماعی یا دستیابی به روابط موثر بر آن پدیده می‌باشد (معتمد، ۱۳۸۲: ۱۳)

جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق، خانوارهای ساکن در نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان نوشهر هستند. این جامعه متشکل از ۶۵۵۷۵ نفر، معادل ۱۹۵۱۴ خانوار می‌باشند (مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۵). به منظور تعیین تعداد روستاهای نمونه، از بین ۶۲ روستای بخش مرکزی شهرستان نوشهر به روش تخمینی مجموع ۲۱ روستا در نظر گرفته شد. بدین ترتیب، تعداد ۲۱ روستا به عنوان حجم نمونه روستاهای نمونه انتخاب گردید. به منظور تعیین تعداد خانوارهای نمونه، با بهره‌گیری از فرمول کوکران، تعداد ۳۸۰ خانوار با توجه به میزان تعداد خانوار روستاها انتخاب شدند. میزان حجم نمونه در هر یک از روستاها به صورت تفکیک شده در نشان داده شده است.

جدول ۱. جزئیات انتخاب نمونه پژوهش

طبقات جمعیتی	۱-۵۰۰	۵۰۱-۱۰۰۰	۱۰۰۱-۲۰۰۰	۲۰۰۱+	کل روستاها
تعداد روستا	۱۵	۲۲	۲۰	۵	۶۲
جمعیت	۴۵۱۳	۱۶۹۳۴	۲۸۷۶۰	۱۵۳۶۸	۶۵۵۷۵
خانوار	۱۳۲۱	۴۹۸۰	۸۵۵۲	۴۶۶۱	۱۹۵۱۴
متوسط خانوار هر روستا	۸۸	۲۲۶	۴۲۸	۹۳۲	۳۱۵
تعداد روستا	۵	۷	۷	۳	۲۱
تعداد نمونه (سهم)	۲۶	۹۶	۱۶۵	۹۰	۳۷۷
تعداد نمونه برای پر کردن پرسشنامه	۵۰	۹۰	۱۵۵	۸۵	۳۸۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

در این تحقیق برای انتخاب، خانوارها از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده گردید. روش سنجش کیفیت زندگی در نواحی روستایی در محدوده مورد مطالعه یک روش توصیفی-پیمایشی است. بنابراین با استفاده از مطالعات اسنادی الگوهای نظری در راستای تعیین معیارهای سنجش کیفیت زندگی و ارائه الگویی جهت ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی، مفاهیم مربوط به کیفیت زندگی در نواحی روستایی مطالعه می‌شود. در ادامه با انجام مطالعات میدانی و شناخت ویژگی‌های روستاهای بخش مرکزی در ابعاد مختلف، معیارهای اصلی سنجش کیفیت زندگی در نواحی روستایی در مطابقت با الگوی نظری آن در دنیا مطابقت داده شد و برای مطالعه حاضر انتخاب می‌شوند. به منظور آزمون فرضیه‌های طرح شده، پرسشنامه‌ای با توجه به معیارهای برگزیده، از کسانی که به عنوان نمونه از جامعه آماری انتخاب شده‌اند، تکمیل می‌گردد. در نهایت اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه‌های مورد نظر، با استفاده از یکی از روش‌های تجزیه و تحلیل و استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۲. روستاهای نمونه واقع در طبقه جمعیتی خاص در بخش مرکزی شهرستان نوشهر

تعداد نمونه برای پر کردن پرسشنامه	تعداد نمونه(سهم)	روستاهای واقع در یک طبقه بندی جمعیتی	طبقه‌بندی روستاها (خانوار)
۵۰	۲۶	چلک علیا، دیزرکلا، سنگتو، شریعت آباد، فراشکلا سفلا	۵۰۰=۱
۹۰	۹۶	حمزده علیا، بهجت آباد، سنگ سر، نجرده، شمع جاران منوچهر کلا، پاشا کلا	۷۰۰-۵۰۱
۱۵۵	۱۶۵	نارنج بن، حسن آباد، هلستان، شگری کلا، خیرودکنار علی آباد عسگرخان، توسکاتک	۲۰۰۰-۱۰۰۱
۸۵	۹۰	صلاح الدین، ونوش، تازه آباد	+۲۰۰۱

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

با توجه به متغیرهای اساسی تحقیق در چارچوب فرضیه‌ها، تعریف عملیاتی آن‌ها انجام گرفت. گزینه‌های تعریف کننده متغیرها به شرح زیر است:

جدول ۳. معیارها و شاخص‌های پژوهش

معیارها	شاخص‌ها
کیفیت اشتغال و درآمد	بعد اقتصادی
کیفیت مسکن	
کیفیت حمل و نقل عمومی	بعد کالبدی
کیفیت امکانات و خدمات زیرساختی	
کیفیت آموزش عمومی	وابسته
کیفیت بهداشت	(کیفیت زندگی)
کیفیت فردی و اجتماعی	بعد اجتماعی
کیفیت مشارکت و همبستگی	
کیفیت آلودگی	بعد محیطی
کیفیت چشم انداز	
- فاصله روستا تا جاده اصلی	کالبدی
- فاصله روستا تا شهر	مستقل (عوامل مکانی فضایی)

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

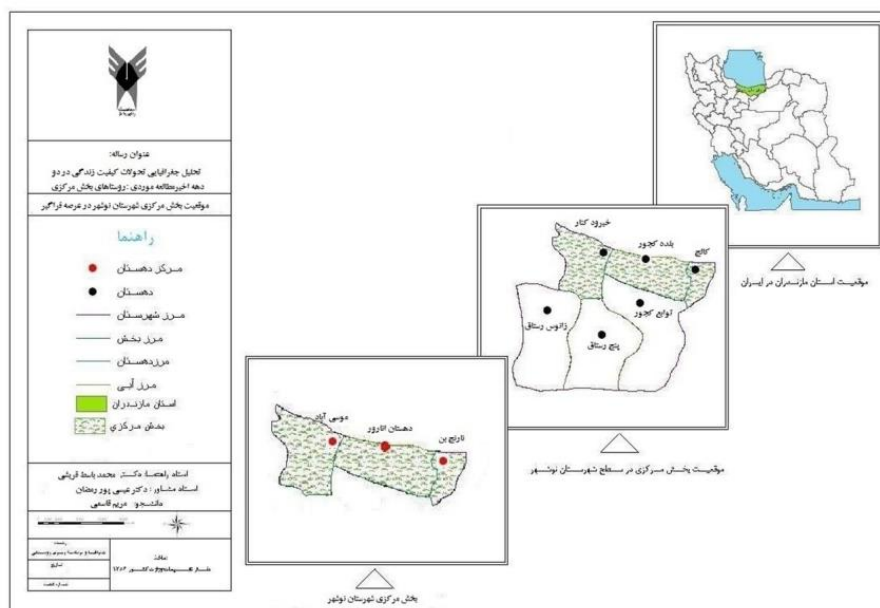
در این بخش بر اساس اطلاعات به دست آمده و مبانی نظری تحقیق در مرحله اول به روش لیکرت در چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی پرسشنامه‌ای طراحی شد و از پاسخگویان خواسته شد به این سوالات که در حال حاضر هریک از معیارهای موثر بر کیفیت زندگی را چگونه ارزیابی می‌کنید در قالب طیف ۵ گزینه‌ای (لیکرت) کاملا مخالف، مخالف، تا حدودی موافق، موافق، کاملا موافق علامت‌گذاری کنند. بدین ترتیب میزان رضایتمندی آن‌ها از مولفه‌های موثر بر کیفیت زندگی مورد سنجش قرار گرفت.

به منظور تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق، ابتدا پرسشنامه‌های تکمیل شده کدگذاری شدند، سپس داده‌های کدگذاری شده به نرم‌افزار spss انتقال داده شد. پس از انجام عملیات آماری، از جداول توزیع فراوانی، درصد، میانگین، نمودارها و ... استفاده گردید. بر این اساس به منظور سنجش سطح کیفیت در هریک از ابعاد از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شد که برای مقایسه میانگین هریک از ابعاد کیفیت زندگی بر مبنای تعداد گویه‌ها، حد متوسط به عنوان نقطه مبنا برای ارزشیابی کیفیت زندگی در نظر گرفته شد. به عنوان مثال، برای محاسبه حد متوسط مولفه مسکن که دارای ۷ گویه در طیف ۵ ارزشی است، حد متوسط نمره ها ۲۱ در نظر گرفته شده است. بدیهی است با توجه به جهت هریک از گویه‌ها، نمره های بالاتر از حد متوسط، شرایط مناسب‌تر کیفیت زندگی را نشان می‌دهند. هم چنین برای مقایسه ابعاد کیفیت زندگی در سطح روستاهای نمونه از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه (Anova) استفاده شد. و برای به دست آوردن محل اختلاف بین ابعاد در روستاها از آزمون scheife بهره گرفته شده است. برای بررسی عوامل مکانی -

فضایی ما تاثیر سه متغیر ۱- فاصله روستا تا جاده اصلی ۲- فاصله روستا تا شهر ۳- تعدد قومیت‌ها را بر کیفیت زندگی روستاهای جامعه نمونه در نظر گرفته‌ایم. برای این منظور نیز از آزمون Anova استفاده شده است و برای به دست آوردن محل اختلاف این عوامل در روستاها از آزمون توکی بهره گرفته شده است. بدین صورت که ابتدا تاثیر هر یک از متغیرهای مذکور را بر مولفه‌های موثر بر ابعاد کیفیت زندگی (کیفیت کالبدی، کیفیت اجتماعی، کیفیت زیست‌محیطی و کیفیت اقتصادی) به صورت جداگانه بررسی کرده و در نهایت تاثیر این متغیرها را بر مجموع ابعاد موثر بر کل کیفیت زندگی در جامعه نمونه مورد سنجش قرار داده‌ایم.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهرستان نوشهر یکی از شهرستان‌های استان مازندران می‌باشد که با $1716/5$ کیلومتر مربع وسعت حدود $7/2$ درصد کل مساحت استان را به خود اختصاص داده است. شهرستان نوشهر در غرب استان قرار گرفته و از شمال به دریای خزر، از شرق به نور، از جنوب به رشته کوه‌های البرز و شهرستان‌های نور و چالوس و از مغرب به شهرستان چالوس محدود می‌شود. شهرستان نوشهر بر اساس آمار سال ۱۳۹۵ شامل $83,239$ نفر جمعیت می‌باشد. این شهرستان دارای ۱ شهر (نوشهر)، ۲۰ بخش (کجور و مرکزی)، ۶ دهستان و ۱۴۷ آبادی است که از این تعداد، ۱۳۶ آبادی دارای سکنه و ۱۱ آبادی خالی از سکنه می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). این شهرستان بین 36 درجه و 14 دقیقه تا 36 درجه و 40 دقیقه عرض شمالی و 51 درجه و 19 دقیقه تا 51 درجه و 56 دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ واقع شده است. شهرستان نوشهر از نظر توپوگرافی به دو بخش عمده جلگه‌ای - ساحلی و کوهستان تقسیم می‌شود اراضی قسمت شمالی که به دریای خزر منتهی می‌شود بیشتر به کاربری تفریحی و توریستی اختصاص دارد (گزارش اقتصادی، اجتماعی، شهرستان نوشهر، ۱۳۹۵، ۱).



شکل ۲. نقشه موقعیت جغرافیایی شهرستان نوشهر در استان مازندران و ایران

یافته‌ها و بحث

بر اساس اطلاعات به دست آمده در مرحله اول به روش لیکرت در چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی پرسشنامه‌ای طراحی شد و از پاسخگویان خواسته شد به این سوالات که در حال حاضر هر یک از معیارهای موثر بر کیفیت زندگی را چگونه ارزیابی می‌کنید در قالب طیف ۵ گزینه‌ای (لیکرت) کاملاً مخالف، مخالف، تا حدودی موافق،

موافق، کاملاً موافق علامت‌گذاری کنند. بدین ترتیب میزان رضایتمندی آن‌ها از مولفه‌های موثر بر کیفیت زندگی مورد سنجش قرار گرفت. شاخص‌هایی که در این پژوهش استفاده شده‌اند به شرح زیر است:

بعد اقتصادی (کیفیت اشتغال و درآمد)، بعد کالبدی (کیفیت مسکن، کیفیت حمل و نقل عمومی، کیفیت امکانات و خدمات زیرساختی)، بعد اجتماعی (کیفیت آموزش عمومی، کیفیت بهداشت، کیفیت فردی و اجتماعی، کیفیت مشارکت و همبستگی) بعد محیطی (کیفیت آلودگی، کیفیت چشم‌انداز) کالبدی (فاصله روستا تا جاده اصلی، فاصله روستا تا شهر).

جدول ۴. سطح معناداری ارزیابی ساکنین از ابعاد و مولفه‌های کیفیت زندگی

Test value حد میانگین متوسط	سطح معناداری	میانگین	آمار T	مولفه	ابعاد
۱۸	۰/۰۰۵	۱۸/۱۹	۰/۸۱۸	آلودگی	طبیعی
۱۲	۰/۰۰۰	۱۳/۵۲	۶/۸۵۵	چشم‌انداز	
۱۵	۰/۰۰۸	۱۵/۶۹	۲/۶۸۰	آموزش عمومی	اجتماعی
۳	۰/۰۰۱	۳/۰۵۵۹	۰/۹۷۳	بهداشت	
۱۵	۰/۰۰۰	۱۵/۷۴	۳/۳۸۱	امنیت فردی و اجتماعی	
۱۲	۰/۰۰۰	۹/۶۲	۱/۷۴۷	اشتغال و درآمد	اقتصادی
			۱۲		
۲۱	۰/۰۰۰	۲۵/۲۴	۱/۷۵۶	مسکن	کالبدی
			۱۳		
۱۲	۰/۰۱۱	۱۵/۵۲	۲/۵۶۰	حمل و نقل عمومی	
۱۸	۰/۰۰۰	۲۱/۰۳	۱/۰۵۶	زیرساخت‌ها	
			۱۴		
۱۵۶	۰/۰۰۰	۱۶۴/۹۸	۶/۳۴۹	همه ابعاد	کیفیت زندگی کل

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

تحلیل دیدگاه ساکنین روستاهای بخش مرکزی شهرستان نوشهر از طریق آزمون T تک نمونه‌ای نشان می‌دهد که:

۱- مناسب‌ترین شرایط را می‌توان در بعد کالبدی با توجه به گویه‌های مبنایی کالبدی مانند تسهیلات مناسب در واحد-های مسکونی نظیر سیستم گرمایش و سرمایش، روشنایی و نور مناسب و کافی، سیستم بهداشتی دفع فاضلاب و تعداد اتاق‌های کافی، دسترسی به حمل و نقل عمومی، کیفیت مناسب راه و معابر، کیفیت مناسب آب شرب و از لوله‌کشی نسبت به ۲۰ سال گذشته مشاهده کرد به طوری که میانگین هر کدام از مولفه‌های این بعد (مسکن، حمل و نقل، زیرساخت) بسیار بالاتر از میانگین حد متوسط را نشان می‌دهند. متغیر کیفیت زیرساخت در حد متوسط ارزیابی شده است. کیفیت گاز لوله‌کشی، کیفیت راه دسترسی به شهر، کیفیت راه اصلی نسبت به ۲۰ سال گذشته در روستاهای نمونه در حد مطلوب است. هر چند که وضعیت معابر فرعی در داخل این روستاها نسبت به ۲۰ سال گذشته چندان مطلوب نیست و مخصوصاً در فصل زمستان به دلیل بارندگی زیاد در منطقه وضعیت نامساعد معابر فرعی اهالی را با مشکلات بسیاری در تردد مواجه می‌کند. کیفیت حمل و نقل هم در جامعه نمونه بالاتر از حد متوسط قرار دارد که این امر می‌تواند به دلیل دسترسی آسان به وسایل حمل و نقل عمومی و همین‌طور به دلیل ساعات کار و تعداد نسبتاً زیاد وسایل نقلیه عمومی اعم از مینی بوس، آژانس و خودروهای مسافری شخصی در محدوده بخش مرکزی می‌باشد.

کیفیت مسکن نیز از دید جامعه نمونه بالاتر از حد متوسط نسبت به گذشته ارزیابی شده، این امر حاکی از آن است که مسکن این روستاها دارای نور کافی، سیستم سرمایش و گرمایش مناسب، ساخت مناسب و تعداد اتاق‌های کافی نسبت به بعد خانوار هستند. لازم به ذکر است به دلیل تمایل اهالی به استفاده از وام مسکن روستایی بیشتر ساکنین اقدام به بازسازی مسکن خود کرده و باعث شده مسکن گذشته از استحکام نسبی بر خوردار باشند.

۲- کیفیت چشم‌انداز نیز از بالاتر از حد متوسط ارزیابی شده که علت آن واقع شدن روستاهای نمونه در محدوده جنگلی و نزدیکی به دریا و طبیعت بکر است که رضایت خاطر ساکنین از چشم‌انداز محیط خود را باعث شده است.

۳- هر یک از مولفه‌های بعد اجتماعی نیز بیشتر از حد متوسط نسبت به گذشته ارزیابی گردیده است. ولی فاصله چندانی با حد وسط محاسبه شده ندارد. در مورد کیفیت بهداشت همه روستاهای نمونه به جز روستای فراشکلا دارای خانه بهداشت می‌باشند. در همه این روستاها فضای نسبتاً مناسبی برای این منظور اختصاص داده شده است. به طوری که، ساختمان آن در همه روستاها نوسازی شده و دسترسی افراد به آن نیز آسان است. در مورد آموزش عمومی، به جز روستاهای حسن آباد و دیزرکلا بقیه روستاها دارای دبستان هستند. روستای صلاح‌آدین کلا و خیرودکنار دارای هر سه مقطع دبستان، راهنمایی و دبیرستان می‌باشند. ساختمان مدارس در همه روستاها با توجه به بازسازی انجام شده به نسبت مناسب است. میانگین مولفه امنیت فردی و اجتماعی نیز تقریباً در حد متوسط ارزیابی شده است. این امر، حاکی از آن است که جامعه نمونه در هنگام آمد و شد پیاده و سواره در معابر (به ویژه در شب) روستاها امنیت نسبی است.

۴- اما، نامناسب‌ترین شرایط مربوط به بعد اقتصادی و مولفه اشتغال و درآمد است. به طوری که آمار T محاسبه شده، انحراف فراوانی را از حد متوسط نشان می‌دهد. این امر، به دلیل نرخ پایین اشتغال عدم رضایت شغلی (به دلیل فقدان امنیت شغلی، سختی کار کشاورزی و دامداری در مقابل درآمد اندک در طول سال)، میزان درآمد کم و توانایی پایین پس‌انداز است.

جدول ۵. ضریب رگرسیون مولفه‌های تاثیرگذار بر کیفیت زندگی

مولفه‌ها	ضریب غیر استاندارد	خطای استاندارد	ضریب بتا B	ارزش T	سطح معناداری
اجتماعی	۰/۰۰۰	۰/۴۴۵	۰/۲۸۷	۱/۳۱۱	۰/۰۰۰
کالبدی	۰/۰۰۰	۰/۳۷۷	۰/۴۹۳	۳/۲۳۶	۰/۰۰۰
زیست محیطی	۰/۰۰۰	۲/۶۵	۰/۳۷۰	۲/۵۶۵	۰/۰۰۰
اقتصادی	۰/۰۰۰	۰/۱۳۰	۰/۱۶۸	۱/۳۱۱	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

به منظور شناسایی و بررسی علی کیفیت زندگی از تحلیل رگرسیون چند گانه جهت شناسایی ابعاد موثر بر کیفیت زندگی استفاده شده است. در این رابطه کل ابعاد کیفیت زندگی به عنوان متغیر وابسته و ابعاد چهارگانه کیفیت زندگی یعنی (ابعاد اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی کیفیت زندگی) به عنوان متغیرهای مستقل مورد استفاده قرار گرفته‌اند. رابطه علی بین کیفیت زندگی و ابعاد ۴ گانه کیفیت زندگی بر اساس جدول ۳ نشان می‌دهد که بالاترین ضریب B محاسبه شده (۰/۴۹۳) به بعد کالبدی تعلق دارد، بر این اساس می‌توان گفت بعد کالبدی از دید جامعه نمونه بیشترین تاثیر را در رضایتمندی آن‌ها از کیفیت زندگی دارد. پس از بعد کالبدی؛ بیشترین تاثیر به ترتیب متعلق به ابعاد زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی می‌باشد.

تبیین فضایی کیفیت زندگی در سطح روستاهای نمونه

برای مقایسه ابعاد کیفیت زندگی در سطح روستاهای نمونه از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه و برای به دست آوردن محل اختلاف بین ابعاد در روستاها از آزمون scheffe بهره گرفته شده است و در نهایت نتایج حاصل را به صورت نقشه‌های Gis نشان می‌دهیم.

جدول ۶. تحلیل واریانس تفاوت ابعاد کیفیت زندگی

ابعاد	سطح معناداری	جمع مجذورات		میانگین مجذورات	
		درون گروهی	بین گروهی	درون گروهی	بین گروهی
محیطی	۰/۰۰۰	۱۵۴۶۷/۱۴۵	۱۴۴۰/۱۸۲	۴۶/۱۷۱	۳۶۰/۰۴۵
اجتماعی	۰/۰۰۸	۵۲۹۶۹/۵۶۴	۲۲۰۹/۶۶۰	۱۵۸/۱۱۸	۵۵۲/۴۱۵
اقتصادی	۰/۰۲۲	۳۸۸۱/۹۶۶	۱۳۴/۰۹۰	۱۱/۵۸۸	۳۳/۵۲۲
اقتصادی	۰/۰۲۱	۳۶۶۶۴/۰۳۹	۱۲۸۰/۷۱۴	۱۰۹/۴۴۵	۳۲۰/۱۷۹
کل ابعاد	۰/۰۰۰	۲۱۶۶۴۶/۵۹۸	۱۴۰۲۳/۲۹۷	۶۴۶/۷۰۶	۳۵۰۵/۸۲۴

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

وضعیت کیفیت زندگی بر اساس مقایسه تطبیقی روستاهای نمونه، در همه ابعاد از تفاوت معناداری برخوردار است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد این تفاوت در جنبه‌های اجتماعی و محیطی در بین روستاها در مقایسه با دو جنبه کالبدی - اقتصادی بیشتر است. پس، در بین روستاها از لحاظ مولفه‌های مسکن، حمل و نقل عمومی، امکانات و خدمات زیر ساختی و همچنین مولفه اشتغال و درآمد شرایط نسبتاً مشابهی در مقایسه با سایر مولفه‌ها وجود دارد. به عبارت دیگر، در همه روستاهای مورد مطالعه شاخص‌های کالبدی کیفیت زندگی در سطح مطلوب و شاخص‌های اقتصادی در سطح نامطلوبی قرار دارند.

جدول ۷. سطح بندی روستاهای نمونه بر اساس ابعاد کیفیت زندگی بر اساس آزمون *scheffe*

روستا	معناداری طبقات در سطح آلفا ۰/۰۵									
	کیفیت محیطی			کیفیت اجتماعی		کیفیت اقتصادی		کیفیت کالبدی	کیفیت کل	
	۱	۲	۳	۱	۲	۱	۲	۱	۲	
توسکانک										
صلاح‌الدین										
کلا										
منوچهر کلا										
علی آباد										
عسگرخان										
تازه آباد										
خیرودکنار										
شمع جاران			۳۵/۳۵۹							
نچارده										
ونوش			۳۵/۷۸۱							
حسن آباد										
نارنج بن										
فراشکلا										
پاشاکلا										
بهجت آباد										
هلستان										
شکری کلا										
شریعت آباد										
سنگتو										
سنگسرا										
دیزر کلا										
حمزده علیا										
چلک علیا										

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

بر اساس آزمون شفه، همانگونه که در جدول آمده است، به لحاظ کیفیت زندگی در بعد محیطی ۳ طبقه، اجتماعی ۲ طبقه، اقتصادی ۲ طبقه و کالبدی ۱ طبقه را می‌توان شناسایی کرد. با در نظر گرفتن تمامی ابعاد، نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که در روستاهای نمونه را بر اساس تمامی شاخص‌های کیفیت زندگی می‌توان در دو طبقه گروه-بندی نمود. طبقه ۱ یعنی روستاهای با بالاترین سطح کیفیت زندگی و در طبقه ۲ روستاهای با کمترین سطح کیفیت زندگی و رضایتمندی قرار گرفته‌اند.

بر اساس آزمون شفه، روستاها بر اساس شاخص‌های کیفیت زندگی در دو طبقه قرار گرفته‌اند و در ابعاد مورد بررسی از وضعیت نسبتاً متفاوتی برخوردار گردیده‌اند. به طوری که، در بعد محیطی روستاها در سه طبقه، در بعد اقتصادی در ۲ طبقه، در بعد اجتماعی روستاها در ۲ طبقه و در بعد کالبدی روستاها در ۱ طبقه جای گرفته‌اند.

البته در بین روستاهای طبقه یک نیز تفاوت وجود دارد. به طوریکه روستاهای خیرودکنار، توسکاتک، تازه‌آباد و شریعت‌آباد به نسبت روستاهای دیگر از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار است. همان‌طور که بیان گردید، روستاهای محدوده مورد مطالعه بر اساس شاخص‌های کیفیت زندگی در ابعاد مختلف از پراکنش فضایی متفاوتی برخوردار هستند. بر اساس تحلیل داده‌های تحقیق، بالاترین میزان رضایت از کیفیت اجتماعی مربوط به روستاهای توسکاتک، صلاح‌الدین کلا، منوچهر کلا، علی‌آباد عسگرخان، تازه‌آباد، خیرودکنار، شمع جاران است. بالاترین میزان رضایت از بعد محیطی مربوط به روستاهای توسکاتک، صلاح‌الدین کلا، منوچهر کلا، علی‌آباد عسگرخان، تازه‌آباد، خیرودکنار، شمع جاران، پاشاکلا است. این روستاها به علت قرارگیری در داخل جنگل بکر و کنار رودخانه پر آب، طبیعت بسیار زیبایی را برای اهالی فراهم آورده است. این در حالی است که روستاهای سنگتو، دیزر کلا، حمزده علیا و چلک علیا نیز در نزدیکی جنگل استقرار یافته‌اند اما بدلیل فاصله از آن در رتبه پایین‌تری نسبت به روستاهای نجارده، ونوش، حسن‌آباد، نارنج بن، فراشکلا، پاشاکلا، بهجت‌آباد هلاستان، شگری کلا، شریعت‌آباد، سنگسرا قرار گرفته‌اند. از نظر کیفیت آلودگی نیز روستاهای صلاح‌الدین کلا، منوچهر کلا، علی‌آباد عسگرخان، تازه‌آباد، خیرودکنار، شمع جاران، شریعت‌آباد به دلیل آرامش و سکوت و فضای فاقد آلودگی صوتی‌اش، نبود آلودگی ناشی از کارگاه‌های صنعتی و نظم و ترتیب در جمع‌آوری زباله از سطح روستا دارای وضعیت مطلوب‌تری نسبت به سایر روستاها است.

سنجش تاثیر عوامل مکانی - فضایی بر تفاوت‌های سطح کیفیت زندگی در محدوده مورد مطالعه

ابتدا برای بررسی عوامل مکانی - فضایی، ما تاثیر دو متغیر ۱- فاصله روستا تا جاده اصلی ۲- فاصله روستا تا شهر را بر کیفیت زندگی روستاهای جامعه نمونه در نظر گرفته‌ایم. برای این منظور از آزمون Anova استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا تاثیر هر یک از متغیرهای مذکور، بر مولفه‌های موثر بر ابعاد کیفیت زندگی (کیفیت کالبدی، کیفیت محیطی، کیفیت زیست‌محیطی و کیفیت اقتصادی) به صورت جداگانه بررسی شده است و در نهایت تاثیر ایت متغیرها را بر مجموع ابعاد موثر بر کل کیفیت زندگی در جامعه نمونه مورد سنجش قرار گرفته شده است.

سنجش تاثیر عامل فاصله از جاده اصلی بر سطح کیفیت زندگی

به طور کلی راه‌های شهرستان نوشهر، از عملکردهای محلی، ناحیه‌ای و فرانااحیه‌ای برخوردار می‌باشند؛ به نحوی که محور ارتباطی نور - نوشهر یکی از شاهراه‌های اصلی شهرستان است. این محور ارتباطی جاده اصلی بخش مرکزی شهرستان نوشهر می‌باشد. با خصوصیتی که از جاده اصلی این بخش ذکر شد، نزدیکی و مجاورت با این جاده اصلی یکی از فرصت‌هایی است که در اختیار بعضی از روستاهای این شهرستان قرار دارد. از این رو عامل فاصله تا راه اصلی می‌تواند به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل فضایی موثر بر سطح کیفیت زندگی روستاها مورد توجه قرار گیرد و وسیله عوامل زیر می‌تواند در این روستاها را تحت تاثیر قرار دهد:

- امکان توسعه مشاغل خدماتی در حاشیه راه اصلی
- سهولت دسترسی به وسایل نقلیه بین راهی

- امنیت عبور از راه اصلی برای عابران و رانندگان بومی
 - آلودگی صوتی و هوایی ناشی از رفت و آمد وسایل نقلیه
- بر اساس مقایسه تطبیقی روستاهای نمونه، بر اساس آزمون تحلیل واریانس همان گونه که در جدول نشان می‌دهد می‌توان پذیرفت که در روستاهای بخش مرکزی نوشهر در تمامی ابعاد کیفیت زندگی به لحاظ فاصله از جاده اصلی تفاوت معناداری قابل مشاهده است.

جدول ۸. تحلیل واریانس تفاوت ابعاد کیفیت زندگی میان روستاها بر اساس فاصله از جاده اصلی

ابعاد	سطح معناداری		جمع مجدورات		میانگین مجدورات	
	درون گروهی	بین گروهی	درون گروهی	بین گروهی	درون گروهی	بین گروهی
کالبدی	۰/۰۰۵	۱۲۹/۰۹۸	۵/۸۷۵	۰/۳۸۵	۱/۴۶۹	۴/۰۰۱
محیطی	۰/۰۰۰	۱۶۶/۶۰۳	۱۶/۰۰۲	۰/۴۹۷	۲/۰۹۵	۱/۵۶۷
اقتصادی	۰/۰۲۲	۲۴۲/۶۲۳	۸/۳۸۱	۰/۷۲۴	۱/۵۶۷	۱/۵۴۸
اجتماعی	۰/۰۰۳	۱۲۸/۵۰۰	۶/۲۶۸	۰/۳۸۴	۱/۵۶۷	۱/۵۴۸
کل ابعاد	۰/۰۰۰	۸۲/۵۸۲	۶/۱۹۳	۰/۲۴۷	۱/۵۴۸	۱/۵۴۸

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

روستاهای توسکانتک، صلاح الدین کلا، منوچهر کلا، علی آباد عسگرخان، تازه آباد، خیرودکنار، شمع جاران، پاشاکلا، بهجت آباد، هلاستان، شگری کلا، شریعت‌آباد، از جمله روستاهای بخش مرکزی شهرستان نوشهر هستند که دقیقاً در مسیر جاده اصلی واقع شده‌اند. همین عامل واقع شدن در مسیر جاده اصلی است که باعث جذب جمعیت زیاد در این روستاها شده است. و انواع خدمات و امکانات در این روستاها فراهم گردیده است. بعد از این روستاها روستاهای سنگتو، حمزده علیا و چلک علیا، خیرودکنار و منوچهر کلا در فاصله بیشتری از جاده اصلی قرار گرفته‌اند.

نتیجه گیری

با بررسی انجام شده به لحاظ تئوریک این نتیجه به دست می‌آید که می‌توان گفت اصولاً "کیفیت زندگی یک مفهوم پیچیده و چند بعدی متأثر از زمان و مکان و ارزش‌های فردی و اجتماعی است که دارای ابعاد عینی و بیرونی، ذهنی و درونی می‌باشد. از این رو ارائه یک تعریف جامع برای آن کار آسانی نیست چون که هم متکی به شاخص‌های ذهنی یا کیفی و هم متکی به شاخص‌های عینی و کمی است. بنابراین آن چه مسلم است این است که تمامی مطالعات کیفیت زندگی تحت دو سر فصل شاخص‌های عینی و شاخص‌های ذهنی صورت می‌گیرند. اجماع اندیشمندان بر این اعتقادند که کیفیت زندگی را در پنج بعد فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی، روانشناختی و محیطی می‌توان بررسی نمود. که در این تحقیق تلاش شده است با نگرش جغرافیایی ترکیبی از ۵ بعد مورد توجه قرار گیرد و در نهایت با توجه به ادبیات اندیشه‌ای که در ادبیات جهانی موجود است ترکیبی از شاخص‌های عینی و ذهنی مورد توجه قرار گرفته است. شاخص‌های ذهنی بیشتر بر نگرش‌ها و شاخص‌های عینی بیشتر بر واقعیات تأکید دارند. در این پژوهش از رویکردهای ساختارگرا به عنوان پشتوانه تئوریک و مبنای اندیشه‌ای استفاده شده است. در واقع رویکرد ساختارگرا مفهومی کامل‌تر و به عنوان یک کلیت مطرح می‌باشد. این نظریه بر دو مفهوم کلی ۱- کیفیت زندگی فراتر از مفهوم نیازها در ارتباط با فرایندها و دستاورد های خود مختاری و تحقق فردی قابل طرح است.

۲- کیفیت زندگی در معنای واقعی آن نمی‌تواند مستقل از مناسبات روابط و پیوندهای مشترک اجتماعی و وابستگی در زمینه عدالت توزیعی که امنیت شخصی و اقتصادی، حمایت شهروندی و حقوق انسانی را تضمین می‌کند مفهوم سازی شود. تأکید دارد. و هم چنین با توجه به این که هدف این تحقیق سنجش و ارزیابی کیفیت زندگی مکان و تعیین تشابهات و تباینات فضایی کیفیت زندگی در سطح سکونتگاه‌های روستایی است علاوه بر رویکرد ساختارگرا، از رویکرد تحلیل فضایی هم بهره گرفته شد.

با این نگرش تحقیق حاضر با هدف تحلیل فضایی کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی از دید جامعه نمونه صورت گرفته است که ۵۷ گویه در قالب ۴ بعد اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و محیطی طراحی و مورد آزمون قرار گرفت که از نتایج به دست آمده می‌توان چنین استنباط نمود که روستاهای بخش مرکزی شهرستان نوشهر از نظر همه ابعاد کیفیت به غیر از بعد اقتصادی در وضعیت مطلوبی به سر می‌برد. مناسب‌ترین شرایط را می‌توان در بعد کالبدی مشاهده کرد به طوری که میانگین هر یک از مولفه‌های این بعد بسیار بالاتر از میانگین حد متوسط را نشان می‌دهند. در مرتبه ی بعدی مناسب‌ترین شرایط مربوط به بعد محیطی است که شامل گویه‌های کیفیت چشم‌انداز و کیفیت آلودگی است. پس از آن بعد اجتماعی است که هر یک از مولفه‌های آن بیشتر از حد متوسط ارزیابی شده ولی فاصله چندانی با حد متوسط ندارند. اما نامناسب‌ترین شرایط مربوط به بعد اقتصادی و مولفه اشتغال و درآمد است که ناشی از نرخ پایین اشتغال و عدم رضایت شغلی است و وضعیت تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد این تفاوت در جنبه‌های اجتماعی و محیطی در بین روستاها در مقایسه با دو جنبه کالبدی و اقتصادی بیشتر است بر مبنای سنجش کیفیت زندگی روستاهای صلاح الدین کلا، منوچهر کلا، علی آباد عسگرخان، تازه آباد، خیرودکنار، شمع جاران، پاشاکلا، بهجت آباد، هلمستان، شکری کلا، شریعت آباد، دیزرکلا در طبقه یک و روستاهای سنگتو، حمزده علیا و چلک علیا (به علت ضعف برخورداری از خدمات، بر هم خوردن نظم سازمان اجتماعی روستا) با تفاوت نسبتاً "زیادتر در طبقه ۲ قرار دارند. البته در بین روستاهای طبقه یک نیز تفاوت وجود دارد. به طوری که روستای روستاهای خیرودکنار، توسکاتک، تازه‌آباد و شریعت‌آباد به نسبت روستاهای دیگر از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار است. همان طور که بیان گردید روستاهای محدوده مورد مطالعه بر اساس شاخص‌های کیفیت زندگی در ابعاد مختلف از پراکنش فضایی متفاوتی برخوردار هستند بر اساس تحلیل داده‌های تحقیق، بالاترین میزان رضایت از کیفیت اجتماعی مربوط به روستاهای توسکاتک، صلاح الدین کلا، منوچهر کلا، علی آباد عسگرخان، تازه آباد، خیرودکنار، شمع جاران است. بالاترین میزان رضایت از بعد محیطی مربوط به روستای روستاهای توسکاتک، صلاح الدین کلا، منوچهر کلا، علی آباد عسگرخان، تازه‌آباد، خیرودکنار، شمع جاران است. از این روستا به علت قرارگیری در داخل جنگل بکر و کنار رودخانه پرآب، طبیعت بسیار زیبایی را برای اهالی فراهم آورده است این در حالی است که روستاهای سنگتو، دیزر کلا، حمزده علیا و چلک علیا نیز در نزدیکی جنگل استقرار یافته است اما به دلیل فاصله از آن در رتبه پایین‌تری نسبت به روستای روستاهای نجارده، ونوش، حسن آباد، نارنج بن، فراشکلا، پاشاکلا، بهجت آباد هلمستان، شکری کلا، شریعت آباد، سنگسرا قرار گرفت. از نظر کیفیت آلودگی نیز روستاهای روستاهای صلاح الدین کلا، منوچهر کلا، علی آباد عسگرخان، تازه آباد، خیرودکنار، شمع جاران، شریعت آباد به دلیل آرامش و سکونت و فضای فاقد آلودگی صوتی‌اش، نبود آلودگی ناشی از کارگاه‌های صنعتی و نظم و ترتیب در جمع‌آوری زباله از سطح روستا دارای وضعیت مطلوب‌تری نسبت به سایر روستاها است. در سنجش تاثیر عوامل مکانی. فضایی بر سطوح کیفیت زندگی روستاهای نمونه این نتیجه حاصل شد که بین تمام سطوح کیفیت زندگی در سطح روستاهای نمونه بر اساس عوامل فاصله تا جاده اصلی و فاصله تا شهرستان تفاوت معناداری وجود دارد. و هر چه فاصله کمتر باشد شاخص‌های کیفیت زندگی در وضعیت مناسب‌تری قرار می‌گیرند و سطح کیفیت زندگی بالاتر می‌رود.

سپاسگزاری

مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی بوده که در گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت از آن دفاع شده است.

منابع

- اونق، ناز محمد (۱۳۸۴)، بررسی رابطه بین سرمایه‌های اجتماعی و کیفیت زندگی رساله کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی تهران.
- بوستانی، داود و ابتکاری (۱۳۹۱) ارزیابی شاخص‌های کیفیت زندگی در نواحی روستایی کشور، نشریه راهبرد اجتماعی و فرهنگی، شماره ۳۱-۴، ۳۵-۳۱
- خراسانی، محمد امین (۱۳۹۱)، تبیین زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری با رویکرد کیفیت.
- خراسانی، محمد امینو حاجیلو، محمد (۱۳۹۴)، سنجش و ارزیابی مولفه‌های کیفیت زندگی در روستاهای بخش مرکزی خدابنده، پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شماره ۸
- خوارزمی، شهین دخت (۱۳۸۳)، "کیفیت زندگی و الزامات عصر دیجیتال در ایران". قابل دسترسی در www.iranwsis.ir
- دربان آستانه، علیرضا و محمودی، محمد (۱۳۹۵)، ارزیابی کیفیت زندگی در روستا-شهرهای جدید: مطالعه موردی، شهر بانوره، جغرافیا و توسعه، شماره ۸، ۸۱-۸۳
- رضوانی، محمدرضا و منصوریان، حسین (۱۳۸۶)، سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها، مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۷.
- رضوانی، محمدرضا، متکان، علی، منصوریان، حسین و ستاری، محمد حسین (۱۳۸۸)، توسعه و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: شهر نورآباد استان لرستان)، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره دهم، پاییز ۱۳۸۸.
- رضوانی، محمدرضا، شکیبیا، علیرضا منصوریان، حسین (۱۳۸۸)، ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۰ و ۳۱.
- رضوانی، محمدرضا، منصوریان، حسین و احمدی، فاطمه (۱۳۸۸)، ارتقای روستا به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، تهران.
- رضوانی، محمدرضا، منصوریان، حسین (۱۳۸۷)، سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها و مدل‌های آرایه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۳.
- سپهوند، فرخنده (۱۳۸۹)، نقش گردشگری خانه‌های دوم در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی (مورد: روستاهای بخش رودبار قصران - شهرستان شمیرانات)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده جغرافیا تهران.
- شاهرخی، صالح و نوری‌پور، مهدی (۱۳۹۴) ارزیابی کیفیت زندگی مناطق روستایی با استفاده از تاکسونومی عددی، مطالعه موردی دهستان اسفندقه، شهرستان جیرفت، علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، شماره ۱۱.
- عنابستانی، علی و محمدی، مهدی (۱۳۹۴) تحلیل فضایی عوامل موثر بر کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی، بخش سیمکان - شهرستان جهرم، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال پنجم، شماره ۸.
- فاضل‌نیا و حکیم دوست (۱۳۹۴)، تحلیل شاخص مخاطره خشکسالی و تاثیر آن بر مکان‌گزینی روستایی، مطالعه موردی: استان قزوین، روستا و توسعه، شماره ۱۸.
- فتاحی، احداالله (۱۳۹۰)، سنجش کیفیت زندگی در مناطق روستایی (بخش مرکزی شهرستان دلفان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات تربیت مدرس.
- فتاحی، احداالله و محمد امین خراسانی (۱۳۹۱)، کیفیت زندگی و توسعه انسانی، انتشارات انتخاب.
- قالیباف، محمد باقر، روستایی، مجتبی، لسبویی رمضان‌زاده، مهدی و طاهری، محمدرضا (۱۳۹۰)، "ارزیابی کیفیت زندگی شهری، مطالعه موردی: محله یافت‌آباد"، فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران دوره جدید، سال نهم، شماره ۳۱.
- قربانی، سحر (۱۳۹۰)، بررسی نابرابری‌های فضایی کیفیت زندگی زنان روستایی در سال‌های ۱۳۷۵ - ۱۳۸۵ (دهستان‌های استان مازندران)، دانشکده جغرافیا تهران.
- قرنی، آرانی (۱۳۹۴) بررسی کمی نقش برنامه‌ریزی مشارکتی در کاهش فقر روستایی شهرستان فیروزکوه روستای لزور، جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، سال پنجم، شماره ۵.
- قرنجیک، عبدالمجید (۱۳۸۹)، سنجش کیفیت زندگی در نواحی روستایی با رویکرد ذهنی (دهستان جعفریای جنوبی شهرستان ترکمن)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده جغرافیا تهران.

مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۸۶)، برنامه‌ریزی روستایی در ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

معتمد، احمد (۱۳۸۲)، جغرافیای کوآترنر، انتشارات سمت، تهران.

Bień, B & ,Bień-Barkowska, K. (2016). Objective drivers of subjective well-being in geriatric inpatients: mobility function and level of education are general predictors of self-evaluated health, feeling of loneliness, and severity of depression symptoms. *Quality of Life Research* 25, 12, 3056-76

Ferri, B. (2017). Social Sustainability in Urban Regeneration: Indicators and Evaluation Methods in the EU 2020 Programming. In *Recent Trends in Social Systems: Quantitative Theories and Quantitative Models* (pp. 75-88). Springer International Publishing.

Feneri, A. M., Vagiona, D & .Karanikolas, N. (2013). (Measuring quality of life (QOL) in urban environment: an integrated approach. *CESt2013, Athens, Greece, Ref no, 294.*

Hammer, J & .Spears, D. (2016). Village sanitation and child health :Effects and external validity in a randomized field experiment in rural India. *Journal of health economics* ,48 ,135-148 .

Helliwell, J., Layard, R & .Sachs, J. (2016). *World Happiness Report* .2016 Vol. I, New York: Sustainable Development Solutions Network

Hogan, M. C. et al. (2010). Maternal mortality for 181 countries :2008-1980 ,a systematic analysis of progress towards Millennium Development Goal 5 .*The lancet*. ۱۶۲۳-۱۶۰۹ ,(۹۷۲۶)۳۷۵,

Kashwan, P. (2017). Inequality, democracy, and the environment: A cross-national analysis. *Ecological Economics* - ,Kingombe, K. M .(Mapping the new infrastructure financing landscape .London: Overseas Development Institute .151-139

James, O & others(2003), *Analysis of Quality of life and Rural Development: Evidence from West Virginia Data*, vol. 34 No.2 (Spring 2003), pp.202-218.

OY- Lee, y.-J., 2008, subjective quality of life measurement in taipie, building and.

Marans RW, Couper M (2000) measuring the quality of community life: a program of longitudinal.